اخبار فرهنگی

کانون کارگردانان سینما:

حکم سعید روستایی «عجیب‌ترین حکم قضایی در تاریخ سینمای ایران» است

کانون کارگردانان سینمای ایران در مورد حکم سعید روستایی کارگردان فیلم «برادران لیلا» بیانیه‌ای منتشر کرده و آن را «عجیب‌ترین حکم قضایی در تاریخ سینمای ایران» خوانده است. در حکم صادر شده علیه روستایی، وی به ۵ سال محرومیت از ملاقات با اهالی سینما و آموزش اجباری در شعبه قم دانشکده صداوسیما محکوم شده است. بیانیه کانون کارگردانان سینمای ایران گفته است «فیلمی با مجوز ساخته شده و به فستیوال معتبر جهانی کن رفته، فستیوالی که سالهاست سینمای خصوصی و دولتی ایران در آن شرکت می‌کنند. فیلم از این جشنواره جایزه معتبری گرفته و پخش کننده خارجی فیلم را منتشر کرده و مردم هم در ایران این فیلم را دیدند و علیرغم نظرات متفاوت ارتباط بسیار خوبی با آن برقرار کردند. صدور چنین حکم عجیبی تلاش بیهوده در جهت تحقیر این سینماگر جوان و خوشفکر سینمای ایران است». کانون کارگردانان سینمای ایران از مدیریت سینمای ایران خواسته «در این لحظه حساس کنار سعید روستایی بایستد و مانع اجرای چنین حکمی شود تا بیش از این فضای یأس و ناامیدی در سینمای ایران ایجاد نشود».

پیکر نوازنده سرشناس تنبک ایران در تهران تشییع شد

پیکر محمدعلی اسماعیلی متین معروف به محمد اسماعیلی موسیقیدان و نوازنده سرشناس تنبک ایران که سه روز پیش در ۸۹ سالگی درگذشت؛ از مقابل تالار وحدت در تهران تشییع شده است. شماری از هنرمندان برجسته ایران در مراسم تشییع حاضر بودند. محمد موسوی آخرین باز مانده از گروه اساتید موسیقی ایرانی که اسماعیلی هم عضو آن بود، در سخنانی در این مراسم گفت که «یک سال است، ساز نزدم، حالم مساعد نبود ولی اکنون به عشق ایشان می‌نوازنم». محمد اسماعیلی نواختن تنبک را نزد حسین تهرانی آموخت و دیری نگذشت که به جانشین او تبدیل شد و شیوه نوازندگی او را دنبال کرد. آقای اسماعیلی یکی از ارکان مهم ارکستر موسیقی فرامرز پایور محسوب می‌شد که از همنوازی‌های او با آن ارکستر آثار ماندگاری چه در اجرای قطعات و چه در ترانه‌های موسیقی ایران به یادگار مانده است. جلیل شهناز، استاد تار، علی اصغر بهاری، استاد کمانچه و محمد موسوی نوازنده چیره دست نی از جمله اعضای گروه پایور بودند و کنسرت‌های متعددی در سراسر جهان برگزار کردند. محمد اسماعیلی را از «آخرین بازماندگان نسل طلایی» اساتید موسیقی سنتی ایران می‌دانند. حدود ۱۵ قطعه فانتزی روی ریتم‌های ایرانی تنظیم کرده که معروفترین آن‌ها قطعه‌ای به نام رونماست.

نهضت سوادآموزی ایران «منحل می‌شود»

عضو کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه از انحلال نهضت سوادآموزی خبر داد. احمد نادری به خبرگزاری ایسنا گفت: «این انحلال از مصوبه این کمیسیون است و اعتقاد ما بر این است که نهضت در ابتدای انقلاب کار کرد خاص خود را داشته که با توجه به فراگیر شدن شرایط پست مدرن در کشور، دیگر نهضت کارکردهای سابق را ندارد». سازمان نهضت سوادآموزی ایران در سال ۱۳۵۸ به دستور امام خمینی تاسیس شد. هدف از تشکیل این سازمان آموزش خواندن و نوشتن به بزرگسالان و همچنین کودکان در مناطق محروم بود که به مدرسه دسترسی نداشتند.

جبلی:

سلبریتی‌ها هنجارها را رعایت نکنند، صداوسیما به آنها آنتن نخواهد داد

رئیس سازمان صداوسیما، درباره حضور سلبریتی‌ها در صداوسیما، گفت: چهره‌ها و نوع رفتارشان متفاوت است و برخی دنبال اصلاح هستند و ما نیاز به چهره‌های هنجارشکن نداریم. پیمان جبلی، در حاشیه جلسه هیأت دولت، تاکید کرد: هر زمان رسانه ملی تصمیم به استفاده از چهره‌ها بگیرد، امکان فرصت و ظرفیت دیده شدن را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که هنجارها را رعایت می‌کنند. وی افزود: چهره‌ها مسئولیت دارند تا از محبوبیت خود در خصوص عمق دادن به محتوای رسانه استفاده کنند اما رعایت و احترام گذاشتن به هنجارهای حاکم بر جامعه از وظایف آنهاست.

«اندوه و سعادت» از افسردگی و کشمکش‌های درونی می‌گوید؛

داستان فرسایش روحی زنی به اسم مارتا

مترجم تازه‌ترین اثر داستانی مگ میسون گفت: نویسنده در «اندوه و سعادت» از طنز برای بیان تناقضات استفاده می‌کند، تناقضاتی که در اصل مکمل یکدیگرند و بدون هم معنایی ندارند، شاید هم اصلا وجود ندارند.

به گزارش ایبنا، مگ میسون، نویسنده و ویراستار استرالیایی است که سال‌ها در کسوت روزنامه‌نگار در نشریاتی همچون سیدنی مورنینگ هرالد، تایمز سیدنی ساندی تایمز، فایننشال تایمز، ووگ و نیویورکر فعالیت داشت. کتاب‌های «باز هم با صدای خوب بگو» و «تومادر باش» از آثار اوست. رمان «اندوه و سعادت» از میسون که به عنوان نامزد نهایی جایزه زنان سال ۲۰۲۲ معرفی شده بود، با ترجمه مریم مفتاحی و از سوی نشر آموت در دسترس مخاطبان فارسی‌زبان قرار گرفت.

مفتاحی، فارغ‌التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبایی و ترجمه آثاری همچون «باغ مخفی»، «دختر پالتو قرمز»، «هنوز هم من»، «پس از تو»، «من پیش از تو»، «کوسه ماهی و وضعیت اضطراری»، «مامان خرسه و وگاس»، «کلکسیون پرنده‌های مرده و تله برای دزد»، «حمله مترسک‌ها»، «قلب یخی او»، «بخشنده ستارگان»، «اسب رقصان»، «میوه خارجی»، «یک بعلاوه یک»، «جزیره‌ی مرجان»، «رز برفی»، «مدار بسته»، «همسر خاموش»، «دختر اینشتین»، پروانه شدن»، «دختر آسیابان»، «سکوت سیاه»، «آن سوی ساحل»، «سهره‌ی طلایی»، «انتقام فیثاغورث» و «داستان‌هایی از گنجینه خرد چین» را بر عهده داشته است.

در گفت‌وگو با مریم مفتاحی از ویژگی‌های داستان‌نویسی مگ میسون پرسیدیم که در ادامه می‌خوانید:

مگ میسون در «اندوه و سعادت» از مارتا، دوران افسردگی و کشمکش‌های درونی او می‌نویسد. درباره موضوع و درونمایه این اثر بگویید.

این رمان داستان فرسایش و خستگی روحی، سردرگمی و تنهایی و پریشان‌حالی زنی به اسم مارتاست که علیرغم آنچه به نظر می‌رسد، زنی قوی و مستقل است، زنی که رضایتمندی در او به‌راحتی به‌دست نمی‌آید. شخصیتی که نویسنده در این رمان خلق می‌کند، از دوران نوجوانی دچار نوسانات روحی می‌شود، او مدام احساس سردرگمی می‌کند و نمی‌تواند درک درستی از موقعیت خود بیابد. مارتا غمگین و پریشان است، زندگی او ثبات دارد، آنچه ثبات ندارد، خود اوست. مشکل از درون اوست. زخم عمیقی که روح و روان او را می‌آزارد و باعث می‌شود او به‌شدت احساس عجز و ناتوانی کند، از دیددیگران پنهان است و کسی نمی‌داند و نمی‌بیند او در رنج است و درد می‌کشد، و این بیشتر مارتا را می‌آزارد. مارتا از اطرافیان خود عشق بی‌حدومرزی دریافت می‌کند، اما به‌شدت خودش را تنها می‌بیند. او دلخور است؛ چرا کسی دردش را نمی‌بیند، چرا کسی درکش نمی‌کند، چرا همه فکر می‌کنند او زیادی حساس است. مارتا زندگی خود را عادی نمی‌بیند، درصورتی که زندگی‌اش از نگاه دیگران عادی است و این به‌هم‌ریختگی را نمی‌بینند. همه او را خوشبخت می‌دانند، ولی او خوشبخت نیست.

سبک داستان‌نویسی و شاخصه‌های آثار میسون را چطور ارزیابی می‌کنید؟

میسون نویسنده‌ای باهوش و رک‌گو است. او بی‌پروا و بی‌ملاحظه آنچه را هم که قابل بیان نیست، بیان می‌کند. مگ میسون به کمک عناصر روانشناختی که وارد داستانش می‌کند، به اعماق وجود انسان رخنه می‌کند و علل رفتارهای مارتا شخصیت اصلی را موشکافانه به خواننده می‌نمایاند. میسون سبک خاص خودش را دارد و با جابه‌جایی زمانی و پرداختن به جزئیات و ظرافت‌های زندگی و آنچه ذهن و خاطرات را می‌سازد، داستانش را پیش می‌برد. میسون در جستجوی حقیقت وجودی شخصیتش است که دچار فروپاشی روحی شده و مسیر افسرگی را با سرعت طی می‌کند. میسون اندوه را به سعادت پیوند می‌زند، او تلخی را در مسیری قرار می‌دهد که شیرینی به او وارد شود. پرداختن به جزئیات به گونه‌ای است که خواننده ناخودآگاه تصویرسازی می‌کند.

روایت طنزآمیز در آثار میسون چه جایگاهی دارد؟ این ویژگی چه نقشی بر «اندوه و سعادت» داشته است؟

یکی از ابزارهای میسون برای پیوند اندوه به سعادت همان بهره بردن از روایت‌های طنزگونه است. زندگی آمیزه‌ای است از تلخی و رنج و خنده. تضادها همیشه وجود دارند و میسون به کمک طنز دردها را بیان می‌کند. شوخ‌طبعی نویسنده خنده بر لب خواننده می‌آورد، خنده‌ای که در خود رنج دارد. آنچه خنده‌دار است، غم‌انگیز است. نویسنده در رمان اندوه و سعادت از طنز برای بیان تناقضات استفاده می‌کند، تناقضاتی که در اصل مکمل یکدیگرند و بدون هم معنایی ندارند، شاید هم اصلا وجود ندارند. نویسنده گاهی از طنز برای بیان عمیق‌ترین درد و رنج‌ها استفاده می‌کند. اندوه و سعادت دو روی یک سکه‌اند، سکه‌ای که فقط باید آن را برگرداند تا روی دیگرش را به ما بنمایاند.

میسون تجربه فعالیت به‌عنوان روزنامه‌نگار و طنزنویس روزنامه را در پرونده کاری خود دارد. تجربیات او در این حوزه تا چه میزان در آثار او نمود یافته است؟

میسون روزنامه‌نگار است و روزنامه‌نگاری به قلم و ادبیات او صراحت و شفافیت وارد کرده است. میسون آنچه را که هست می‌بیند، نه آنچه را که باید باشد. نگاه ژورنالیستی نویسنده به وضوح در خط‌خط روایت قابل مشاهده است و او در مقام ژورنالیستی که رمان می‌نویسد، واقع‌بینانه به ابعاد مختلف زنانگی می‌پردازد. او چیزی را می‌بیند که شاید دیگران نبینند، حس نکنند. او دردی را در مارتا می‌بیند که حتی اطرافیان مارتا متوجهش نیستند. یکی از ویژگی‌های رمان‌های نویسندگان ژورنالیست این است که آیینه تمام‌نمای جامعه باشند، آیینه تمام‌نمای انسان‌های آن. بر همین مبنی است که میسون معتقد است «ما در قالب یک جامعه باید داغ ننگ را از روی بیماران روحی برداریم». او به عنوان یک نویسنده ژورنالیست به شخصیت داستانش کمک می‌کند در کشاکش پریشان‌حالی و کشمکش‌های روحی واقعیت‌ها را بیابد و در مسیر مبارزه با بیماری روحی خود، خود را کشف کند.

میسون در خلال داستان «اندوه و سعادت» از بیماری روحی و تاثیر آن بر روابط اجتماعی و عاطفی شخصیت اصلی داستان می‌گوید. از این منظر ابعاد روانشناختی این اثر را چطور می‌بینید؟

خانم مگ میسون روانشناسانه شخصیت‌های داستانش را پیش می‌برد و به کمک علم روانشناسی مارتا را به سوی سعادت و خشنودی از خود هدایت می‌کند. مارتا به افرادی در پیرامون خود نیاز دارند که در کش کنند و فقط ظاهر او را نبینند. مارتا عشق زیادی به خانواده‌اش دارد، خودش نیز سرشار از عشق و محبت است، اما به‌شدت تنهاست، چرا؟ مارتا نمی‌تواند با اطرافیانش ارتباطی منطقی و طبیعی برقرار کند، بیماری روحی روابط اجتماعی او را تحت تاثیر قرار داده و فرسایش روحی در او به فرسایش ارتباطاتش با دیگران منجر شده است. مارتا تا خودش را پیدا نکند، نمی‌تواند به روابطی درست با اطرافیانش دست یابد. تجزیه و تحلیل میسون از موقعیت روحی و روانی مارتا نشان می‌دهد ارتباط درست با دیگران در گرو داشتن ارتباط درست با خود است. میسون ژورنالیست در این رمان روانشناس ظاهر می‌شود، روانشناسی که کار خودش را به خوبی انجام می‌دهد و بیمارش را به مسیر سعادت رهنمون می‌کند.

رمان «اندوه و سعادت» تا چه میزان قادر است بر مخاطبانی که دچار افسردگی یا مشکلات مشابه هستند، حس همزادپنداری ایجاد کند؟ نویسنده تا چه اندازه در این زمینه موفق بوده است؟ از این منظر آیا «اندوه و سعادت» را اثری واقع‌بینانه و صادقانه می‌دانید؟

به عقیده من عنصر همذات‌پنداری در سطحی وسیع در خواننده رخ می‌دهد. ما همه به گونه‌ای خود را در مارتا می‌بینیم، شاید احساس افسردگی نکنیم، ولی از آنجا که احساس خستگی، پریشانی و سردرگمی یکی از ویژگی‌های انسان قرن حاضر است، ما مارتا را در خود می‌بینیم. آدم‌های زیادی مثل مارتا بعضی روزها که از خواب بیدار می‌شوند، دوست ندارند از رختخواب بیرون بیایند. مارتا سمبل انسان امروز است، اعم از زن یا مرد. نباید خود را گول زد، ما چون گونه‌های مختلفی از مارتا هستیم، او را درک می‌کنیم. دنیای مارتا برای ما آشناست، چون دنیای خود ماست. گاهی خودت هم از درد خودت بی‌خبری، ولی وقتی در دیگری می‌بینی، تازه متوجه آن در وجود خودت می‌شوی، انگار نقابی را کنار زده‌اند و تو با واقعیت وجود خودت آشنا می‌شوی.

استقبال از این اثر را چطور دیده‌اید؟

این رمان در دنیا به‌شدت مورد استقبال قرار گرفت و به زبان‌های متعددی ترجمه شده است. در بررسی‌های قبل از انتخاب این اثر، تعریف و تمجیدهای زیادی که از طرف خوانندگان آن دیدم باعث شد تصمیم به ترجمه‌ی آن بگیرم. خوشبختانه در ایران هم استقبال به نسبت خوب بوده و ترجمه فارسی آن ظرف مدت کوتاهی به چاپ دوم رسید، احساس من این است که کتاب دارد راهش را پیدا می‌کند. امیدوارم با معرفی بیشتر این رمان توسط دوستداران کتاب لذت خواندنش نصیب افراد بیشتری شود.

کتابی در دست ترجمه و یا آماده انتشار دارید؟

به‌زودی آخرین رمان جوجو مویز با نام «کفش‌های دیگری» با ترجمه من منتشر خواهد شد. دو رمان دیگر نیز آماده چاپ دارم که امیدوارم به‌زودی چاپ شوند. ترجمه یک رمان جنایی را هم به پایان رسانده‌ام که در آینده نزدیک تحویل ناشر خواهم داد.

در بخشی از این رمان آمده است: «پدرم از همان اول بیماری، شب تا صبح پیش من می‌ماند، کف زمین می‌نشست و به تختم تکیه می‌داد. پیشنهاد می‌داد که برایم شعر بخواند، اگر قبول نمی‌کردم، با صدای بسیار آرام از هر دری برایم حرف می‌زد؛ حرف‌هایی که به جواب نیاز نداشتند. هیچوقت با لباس خانه نبود، حدس می‌زنم شاید به این خاطر لباسش را عوض نمی‌کرد تا وانمود کند هنوز سرشب است و داریم به همان روال سرشب عمل می‌کنیم. ولی من می‌دانستم او نگران است، و چون از رفتار خودم به‌شدت خجالت می‌کشیدم، وقتی دیدم هیچ کاری از دست خودم برنمی‌آید بعد از یک ماه گذاشتم تا مرانند دکتر ببرد. در تمام طول راه روی صندلی عقب ماشین دراز کشیده بودم.»

نسر آموت رمان «اندوه و سعادت» را در ۳۹۲ صفحه و با قیمت ۱۶۶ هزار تومان عرضه کرده است.

گزارش

جبهه انقلاب چگونه در سلبریتی‌سازی شکست خورد؟

بالا گرفتن اختلاف بر سر بازگشت مجریان تلویزیون

بازگشت برخی مجریان و سلبریتی‌ها به صداوسیما به عرصه جدیدی برای نمایش جدال پشت پرده جریان‌های اصولگرا تبدیل شده است. اتفاقی که از دیدرسانه‌های این جبهه دور نمانده، اما جدال به حدی جدی است که هیچ توجیهی توان مخفی کردن آن را ندارد. رسانه‌های اصولگرا به نام اینکه «باید همه سلایق را دید» از جبهه حامی این تصمیم قرار دارند اما جریان دیگری از اصولگرایان به شدت با این تصمیم مخالفت کرده‌اند.

به گزارش رویداد ۲۴، نزدیک به دو دهه از روزهایی که خیابان‌ها در زمان پخش سریال‌های صداوسیما خالی می‌شد، گذشته و احتمالا متولدان دهه ۸۰ به بعد اساسا چنین تجربه‌ای نداشته‌اند. سریال‌های ۹۰ قسمتی، سریال‌های ماه رمضانی با کارگردانی و بازی‌های درخشان رضا عطاران و این آخری برنامه «نود»، «حالا خورشید»، «هفت»، «عصر جدید»، «دورهمی» و «خندوانه» یکی پس از دیگری به دلایل سیاسی از صداوسیما رخت بر بستند.

سال ۱۳۸۹ نقطه عطفی برای جریان برنامه‌سازی تلویزیونی ایران بود؛ سریال «قهوه تلخ» به کارگردانی مهران مدیری که قرار بود از شبکه سه پخش شود، ناگهان به اولین سریالی تبدیل شد که در شبکه خانگی به شکل سی‌دی به فروش می‌رسید. در ادامه روند رو به زوال صداوسیما، مرجعیت اخبار هم از سال‌های پایانی دولت خاتمی و شکل‌گیری برنامه ۲۰:۳۰ در شبکه دو سیما از صداوسیما برای همیشه گرفته شد و ابتدا به بی‌بی‌سی فارسی و کم‌کم با ظهور شبکه‌های اجتماعی به پلتفرم‌هایی از این دست منتقل شد. تیر خلاص به این پیکر نیمه‌جان هم با ورود علی فروغی خواهرزاده طیبه ماهروزاده همسر غلامعلی حدادعادل زده شد. فروغی کرکره آخرین برنامه پربیننده صداوسیما را پایین کشید و عادل فردوسی‌پور را از برنامه نود و صداوسیما حذف کرد.

آغاز روند خالص‌سازی در صداوسیما

روند خالص‌سازی صداوسیما از سال ۱۳۹۸ و اعتراضات بعد از شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی شدت گرفت. تعداد قابل توجهی از اهالی تئاتر، سینما و موسیقی بیانیه‌های اعتراضی به سرکوب خشونت‌بار را امضا کردند. بسیاری از هنرمندان جشنواره فجر را تحریم کردند و به سرعت موج تحریم‌ها به صداوسیما هم کشیده شد. کانون کارگردان سینمای ایران در بیانه‌ای از تمامی کارگردانان سینما درخواست کرد تا زمان عذرخواهی رسمی سازمان صداوسیما در هیچ برنامه تلویزیونی به عنوان میهمان و کارشناس شرکت نکنند. بخشی از هنرمندان سال ۱۳۹۸ ریزش کردند و عده باقی‌مانده سال ۱۴۰۱ و در جریان اعتراضات پاییز و به این ترتیب صداوسیما از هر اندیشه منتقدی خالی شد.

بعد از به حاشیه رفتن صداوسیما و نادیده گرفتن سلایق جامعه که به کاهش چشمگیر مخاطب از تلویزیون و کوچ مردم به سمت شبکه‌های خارجی یا خانگی منجر شده، حالا به تازگی مدیران صداوسیما تصمیم گرفته‌اند با دعوت از برخی چهره‌ها، آب رفته را به جوی بازگردانند. برخی خبرها حاکی از بازگشت «رضا رشیدپور»، «محمدرضا گلزار» و «فرزاد حسنی» به شوهای صداوسیماست. خبر حسنی البته زودتر از همه تایید شد و در یک برنامه مذهبی با شمایلی جدید و ادبیاتی مذهبی حاضر شد.

خبر بازگشت مجریان را ابتدا محمدرضا شهبازی یکی از تازه‌واردهای صداوسیما که در غیبت مجری‌های باسابقه موفق شده بود جایگاهی در این نهاد برای خودش دست و پا کند اعلام کرد. شهبازی در توییتر خود نوشت «ما اینور پاورقی میسازیم می گیم سلبریتی باید در خدمت رسانه باشه، هماهنگ با سیاست‌های نظام باشه، باید با سلبریتی که وسط شلوغی‌ها آب به آسیاب دشمن می‌ریخت برخورد بشه؛ بعد اینور گلزار و رشیدپور دارن گرم می‌کنن برگردن روی آنتن» بعد از قطعی شدن این خبر، شهبازی استعفای خود را از صداوسیما اعلام کرد. اما واکنش‌ها به اعتراض شهبازی جالب توجه‌تر بود. محمدرضا نجارزاده، مدیر گروه اجتماعی شبکه سه در متن تندی به محمدرضا شهبازی که از بازگشت رشیدپور و گلزار به تلویزیون انتقاد کرده بود، نوشت: «امروز نظرسنجی برنامه فاخرت آمد؛ مخاطب: ۵ درصد سیدخندان. معلی ۳۷ درصد، محفل قرآنی ۴ برابر شما، اعجوبه‌ها تا ۳۰ درصد روزد، خودمونی رجبی ۱۹ درصد. رو زده به چی می‌نازید؟ به سیاه کردن چهره جبلی و جلیلی با اشتباهاتتون؟ یا بی‌مخاطب کردن شبکتون؟»

صداوسیما تلاش زیادی برای سلبریتی‌سازی انجام داد؛ چهره‌هایی همچون ثابتی و شهبازی و خانعلی‌زاده نمونه‌ای از همین اقدام صداوسیماست که از قضا هیچکدام نتوانستند مخاطبان جدیدی به صداوسیما بکشانند و این رسانه در معرفی چهره‌های جدید که به ارزش‌های حاکمیتی هم پایبند باشند، خیلی موفق نبود و این یعنی شکست جریان ارزشی. همین مسئله بود که بار دیگر صداوسیما دست به دامان مجریان قدیمی خود شده است؛ مجریانی که به زعم ارزشی‌ها، زمانی یا «ساکت فتنه» بودند یا «حامی فتنه» یا «صدای دشمن»!